

ضرورت و راه کارهای بهبود برنامه‌ی درسی دروس عمومی دوره‌ی کارشناسی از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی*

دکتر محبوبه عارفی^۱

دکتر محمد قهرمانی^۲

مرتضی رضایی زاده^۳

چکیده

حیطه‌ی آموزش عمومی در آموزش عالی (علی‌رغم نظرات مخالف آن) در کنار حیطه‌های تخصصی، پژوهشی و توسعه‌ی دانش از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ خصوصاً در دنیای کنونی که بیش از پیش نیاز به دانش‌آموختگان دارای اطلاعات و مهارت‌های عمومی، توانمند در دسترسی به اطلاعات، برقراری ارتباطات مؤثر، تجزیه و تحلیل مسائل و ارائه‌ی راه حل‌ها، تفکر خلاق و شناسایی محیط ملی و بین‌المللی احساس می‌شود. این پژوهش در پی آنست که راه کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی را که به عنوان دروس عمومی بیان می‌شوند، مورد بررسی قرار دهد و از اسناد و منابع علمی معتبر و تجارب سایر نظام‌ها و هم‌چنین، نظرات دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در این رابطه بهره مند شود.

روش این پژوهش، توصیفی - پیمایشی و جامعه‌ی آماری آن، تمامی دانشجویان سال آخر دوره‌ی کارشناسی (۱۶۳۸ نفر) و اعضای هیئت علمی گروه‌های آموزشی مورد نظر در دانشگاه شهید بهشتی (۷۹ نفر) بود. تعداد نمونه براساس جدول مورگان انتخاب شده و روش نمونه‌گیری، طبقه‌ای نسبتی تصادفی و تصادفی ساده و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه‌ی بسته پاسخ و باز پاسخ بود.

سؤالات اساسی تحقیق از این قرار بود: «آیا وجود دروس عمومی در برنامه‌ی درسی دانشجویان دوره‌ی کارشناسی ضروری است؟» و «چه راه کارهایی را می‌توان برای بهبود برنامه‌ی درسی دروس عمومی در آموزش عالی پیشنهاد کرد؟» بر این اساس، ابتدا میزان ضرورت برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و سپس راه کارهای بهبود این برنامه با در نظر داشتن نظرات دانشجویان و استادان دانشگاه شهید بهشتی در قالب دو سرفصل راه کارهای «موضوعی - محتوایی» و «انگیزشی - ساختاری» مورد بررسی و اولویت‌گذاری قرار گرفت.

براساس نتایج مشخص شده، وجود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان و استادان ضروری است و راه کارهای موضوعی - محتوایی برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی، از اولویت بیشتری برخوردارند.

کلید واژه‌ها: دروس عمومی، آموزش عالی، دانشجویان، اعضای هیئت علمی.

* این پژوهش با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است.

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۲/۱۰

تاریخ آغاز بررسی و ارزیابی مقاله: ۸۷/۳/۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۷/۷/۹

۱. استادیار دانشگاه شهید بهشتی ۲. استادیار دانشگاه شهید بهشتی ۳. کارشناس ارشد رشته‌ی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی
نشانی: ولنجک، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، تلفن: ۰۹۱۲۳۸۴۲۳۸۴، نشانی اینترنتی: Arefi6@Gmail.com

مقدمه

نظام آموزش عالی در سطوح بین‌المللی و ملی، با رویکرد تلفیقی در پی تحقق بخشیدن به استعدادهای بالقوه‌ی آدمی و کمک به رفع نیازمندی‌های اجتماعی است. این هدف غایی به صورت‌های متفاوتی شفاف‌تر شده است: پرورش تفکر خلاق و نگرش نقادانه، کسب صلاحیت‌ها، تخصص‌ها و مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار، کسب روحیه‌ی مشارکت و هم‌زیستی، رشد اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و مدنی در کنار رشد عقلی، کسب روحیه‌ی یادگیری مادام‌العمر، پژوهشگری، حل مسئله، ارائه‌ی نوآوری‌ها، کمک به توسعه‌ی میراث فرهنگی و... بدیهی است پرداختن به چنین اهداف و مقاصدی مستلزم وجود برنامه‌های درسی و روش‌های اجرایی مناسب است.

با توجه به اهداف و رسالت‌های کلی آموزش عالی، جهت‌گیری‌های عمده‌ی برنامه درسی آن در چند حیطه شامل حیطه‌ی تخصصی، حیطه‌ی پژوهش و توسعه‌ی دانش، حیطه‌ی پرورش مریبان و در نهایت حیطه‌ی عمومی، مورد توجه برنامه‌ریزان درسی آموزش عالی قرار گرفته است. بدیهی است، ارزیابی مداوم و به‌موقع هر یک از حیطه‌های مذکور، نقش مفید و مؤثری در پویایی برنامه خواهد داشت.

در این پژوهش، حیطه‌ی برنامه‌ی درسی آموزش عمومی مورد بررسی قرار گرفته است. این حیطه شامل مؤلفه‌ها و اهدافی است که به یک رشته خاص علمی تعلق ندارند. گرچه ابعاد آن از حیطه‌های متفاوت دانش بشری شکل گرفته است، ولی همان‌طور که عبارت «آموزش عمومی» نشان می‌دهد، خاص فراگیرندگان یک رشته‌ی خاص علمی نیست و برای همه فراگیرندگان دانشجویان در نظر گرفته شده است. در تعریف می‌توان بخش عمومی برنامه‌ی درسی آموزش عالی را به عنوان بخش رسمی از آموزش دوره‌ی کارشناسی تلقی کرد که در کنار درس‌های تخصصی و اصلی، به همه‌ی دانشجویان به طور مشترک ارائه می‌شود (Toombs & Chen, 1978; Conrad, 1989).

در تاریخچه‌ی برنامه‌های درسی آموزش عالی، موافقت‌ها و مخالفت‌های متعددی پیرامون نقش و جایگاه برنامه‌ی درسی عمومی در کنار برنامه‌ی درسی تخصصی دانشگاه‌ها صورت پذیرفته است. گرچه موقعیت، حضور و فعالیت این بخش از برنامه به‌طور رسمی در تاریخ برنامه‌ی درسی آموزش عالی قدمت چندانی ندارد (Maclup, 1974)، ولی به‌طور کلی از جایگاه خاصی برخوردار بوده و نظرات متعددی در خصوص ابعاد کمی و کیفی آن مطرح شده است. به هر حال، به‌رغم نظرات مخالف نسبت به قراردادن حیطه‌ی عمومی در برنامه‌ی درسی آموزش عالی، می‌توان آن‌را با توجه به نقش مهمی که در جامعیت بخشیدن به فرایند آموزش و پرورش در همه‌ی رشته‌های تخصصی اعم از علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و پزشکی ایفا می‌کند، از حیطه‌ها و بخش‌های مهم برنامه‌ی درسی آموزش عالی تلقی کرد و از آن در جهت تحقق اهداف آموزش عالی بهره‌گرفت (عارفی، ۱۳۸۴: ۱۴۴). با توجه به تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری در برنامه‌های درسی دانشگاه‌های کشورهای مختلف، این بخش از برنامه‌ی درسی نیز به صورت‌های گوناگون و با محتوای متنوع دیده می‌شود (Dressel & De Lisle, 1969). بررسی‌های متعددی نیز در این زمینه در کشورهای متفاوت انجام شده است (Gaff, 1991; Ratcliff, 1997).

در برخی از دانشگاه‌های دنیا، برنامه‌ی درسی عمومی در حیطه واحدهای اختیاری درسی معرفی می‌شوند تا دانشجویان با توجه به نیازهای خود به انتخاب آن‌ها بپردازند. در برخی دیگر از دانشگاه‌ها از جمله در دانشگاه‌های کشور ایران، این واحدها به صورت کاملاً تعریف شده و محدود ارائه می‌شوند و این نوع تنوع قاعدتاً به عوامل متعددی بستگی دارد. صرف نظر از عوامل ایجاد تنوع در برنامه‌های درسی عمومی، این نکته‌ی مهم مورد تأکید قرار گرفته است که بخش عمومی برنامه‌ی درسی، بخش مهمی از برنامه‌های درسی آموزش عالی را تشکیل می‌دهد و ضرورت پرداختن به آن روز به روز بیشتر می‌شود. بیان این مطلب که دنیای امروز علاوه بر متخصصان رشته‌های تخصصی، به افرادی نیاز دارد که از اطلاعات و توانایی‌های عمومی لازم نیز برخوردار باشند، اهمیت دروس عمومی را چندین برابر جلوه‌گر می‌سازد (Brubacher, 1988 – p.73).

با توجه به روند فزاینده‌ی تحولات در دنیای کنونی، مسئولیت نظام‌های آموزش عالی در سطح جهانی به‌طور قابل توجهی از کمک به «تحقق یادگیری به صرف یادگیری»، به «کمک به یادگیری برای زندگی بهتر» تحول یافته است (Boyer, 1987). در راستای تحقق ایفای مسئولیت‌های آموزش عالی، رویکردها و دیدگاه‌های متنوعی در نظام‌های آموزش عالی کشورهای گوناگون در قاره‌های آمریکا، اروپا و آسیا در طول زمان شکل گرفته است.

آموزش عمومی یا دروس عمومی در نظام‌های آموزش عالی، از قبل از قرن هجده میلادی و تا اوایل آن، نه به‌عنوان «آموزش عمومی»^۱، بلکه با اصطلاح «آموزش لیبرال»^۲ معرفی می‌شد. در آموزش لیبرال، تمامی دانشجویان می‌باید به نحو مطلوبی از مجموع کارهای علمی و ادبی کلاسیک، فلسفه، زبان‌های خارجی، منطق و علم معانی بیان، کسب اطلاعات می‌کردند؛ چرا که در این مدل، به داشتن مبانی وسیع و جامع از دانش، پرورش حس قدرشناسی از دانش، داشتن توانایی تفکر و حل مسائل، مورد تأکید قرار می‌گرفت. در اواخر قرن نوزده میلادی و به‌دنبال فشارهای اجتماعی ناشی از تحولات اجتماعی گسترده در جوامع آمریکایی و اروپایی برای تحول نظام آموزش عالی در این جوامع، تأکید بر آموزش عملی و کاربردی به‌منظور آماده کردن دانشجویان برای دنیای کار (در آن زمان) بیشتر شد. برای مثال، تصویب «قانون موریل»^۳ در ۱۸۶۲ م. با تأکید بر ارائه‌ی رشته‌ها و برنامه‌های کاربردی و تکنیکال در آموزش عالی، از جمله‌ی این موارد بود. لذا رشته‌ها و برنامه‌های درسی کارمحور، تکنیکی و عملی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفتند (Stark, 1996).

در اواسط قرن بیستم میلادی، نهضت دیگری در کشورهای آمریکایی و اروپایی به‌منظور تجدید حیات برنامه‌های درسی آموزش عالی آغاز شد و مباحث جدی بین طرفداران «تخصص‌گرایی و حرفه‌گرایی محض»^۴ در آموزش عالی و مخالفان آنها آغاز شد. منتقدان مذکور به این نکته اذعان می‌کردند که صرف تمرکز بر حیطه‌های خیلی تخصصی در آموزش عالی باعث می‌شود که دانشجویان به مسیرهای مطالعاتی خیلی محدود و تک بعدی سوق داده شوند و این امر با توجه به نیازهای جامعه و تحولات روزافزون فناوری و دانش چندان مطلوب نخواهد بود و به نفع بهبود و توسعه‌ی جامعه نیز نیست. بدین ترتیب، مباحث و توافق‌ها به‌سمت داشتن رویکرد تلفیقی در نظام برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی سوق پیدا کرد؛ به این معنا که این برنامه‌ها باید از یک سو در راستای تربیت تخصصی دانشجویان

۱. General Education

۲. Liberal Education

۳. Murril Act

۴. Specialization & Vocation Training

برای بهبود کارایی شغل‌ها و حرفه‌های تخصصی متفاوت و از سوی دیگر برای انتقال ارزش‌های انسانی و میراث فرهنگی مشترک بین دانشجویان طراحی و تدوین شوند (Lattuca, 1996).

بدین ترتیب، ضمن تأکید بر آموزش و تربیت حرفه‌ای - تخصصی، آموزش عمومی نیز جایگاه خود را در آموزش‌های دانشگاهی (در دوره‌های کاردانی و کارشناسی^۱) حفظ نموده است و البته بین برنامه‌های درسی آموزش عالی، با عبارت‌های متفاوتی هم‌چون: «برنامه‌ی پایه مشترک»^۲، «برنامه‌ی مهارت‌های اساسی»^۳ و آموزش عمومی مطرح می‌شود. در هر صورت، این بخش از برنامه‌ی درسی به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر و عنصر اساسی از برنامه‌ی درسی آموزش عالی در نظام‌های مختلف شناخته شده است. برای مثال، در حدود ۸۵ درصد از کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکایی، دانشجویان ملزم هستند که بخش آموزش عمومی خود را تکمیل کنند (Stark, 1996). در کشور ایران، صد درصد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ملزم هستند که برنامه‌ی درسی عمومی را به دانشجویان ارائه دهند و دانشجویان نیز موظف به گذراندن این دروس هستند.

در واقع باید به ضرورت و تفاوت‌نداشتن ماهیت تربیتی هر دو نوع برنامه‌ی درسی حرفه‌ای و عمومی اشاره داشته باشیم، چرا که هر دو، بخشی از دانش ضروری برای زندگی حرفه‌ای و شخصی محسوب می‌شوند. به عبارت ساده‌تر، آموزش عمومی جزئی از آموزش تخصصی است و آموزش‌های تخصصی بدون آن از خلأ برخوردارند. این همبستگی از آن‌جا ناشی می‌شود که ما دیگر نمی‌توانیم بین تئوری و عمل، تفاوت منطقی برقرار کنیم و هر کدام از این دو، بدون دیگری معنا نخواهد داشت (Pring, 1993, p. 71).

مؤلفه‌ها و موضوعات آموزش‌های عمومی در مؤسسات متفاوت آموزش عالی، یعنی در دانشگاه‌ها و کالج‌ها، در بسیاری از کشورها خصوصاً کشورهای اروپایی و آمریکا متنوع هستند؛ چرا که این موضوعات اهداف، رسالت‌ها و برنامه‌های راهبردی خاص خود را دارند و در جهت دستیابی به آن‌ها، برنامه‌های درسی و از جمله برنامه‌های درسی آموزش عمومی خود را تدوین می‌کنند.

نتایج برخی مطالعات در کشورهای گوناگون اروپایی و آمریکایی نشان داده است که برنامه‌های درسی آموزش عمومی برای دانشجویان دستاوردهای قابل توجهی داشته است. از جمله، بررسی و مطالعه‌ی ارنست بایر^۴ و پاسکارلا^۵ و دیگران نشان داده است که برنامه‌ی درسی عمومی تأثیر قابل

۱. Undergraduate Education

۲. Core Curriculum

۳. Key Skills

۴. Ernest Boyer

۵. Pascarella

توجهی در افزایش توانایی دانشجویان در زمینه‌ی تفکر انتقادی داشته است. هم‌چنین در این تحقیق 75 درصد دانشجویان در کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکایی اظهار داشتند که این دروس در تقویت و یادگیری سایر دروس به آن‌ها کمک کرده و نقش مؤثری در کمک به آن‌ها در راستای یادگیری مادام‌العمر داشته است (Boyer, 1987; Pascarella, 1991).

البته تحقیقات دیگری نیز انجام شده‌اند که نسبت به تأثیر برنامه‌ی درسی آموزش عمومی بر انسجام و کیفیت سایر دروس دوره‌ی کارشناسی، تردید نشان داده‌اند و برای آن دلایلی از جمله عدم انسجام و هماهنگی بین دروس مربوطه (Ratcliff, 1992) نیز مطرح کرده‌اند. رات‌کلیف در این رابطه توصیه‌هایی را برای «بهبود وضعیت کنونی برنامه‌ی درسی آموزش عمومی در دانشگاه‌ها» توصیه می‌کند؛ از جمله:

- اعلام واضح و روشن اهداف برنامه‌های درسی عمومی به دانشجویان (پیش‌بینی می‌شود آنان از این اهداف استقبال کنند).

- ایجاد فرصت‌های یادگیری تلفیقی برای دانشجویان

- ایجاد یکپارچگی بین آموزش و تجربیات زندگی دانشجویان. همراه‌بودن آموزش با زندگی، تجربیات، مشاهدات و کاربردهای موردنیاز دانشجویان، تجربه‌ی یادگیری موفق‌تری را برای آنان فراهم می‌سازد.

- فراهم کردن زمینه‌ی تجربه‌های یادگیری فعالانه و درگیرشدن بیشتر دانشجویان در جریان آموزش در کلاس‌های درس.

- فراهم کردن و حتی الزام نمودن تمرین‌های عملی در برخی دروس از جمله در درس زبان. برخی از یادگیری‌ها و مهارت‌ها، از جمله درس زبان و به‌خصوص درس زبان خارجی یا زبان دوم که به وقت و تمرین بیشتری نیاز دارد، به علت عدم تمرین و تداوم ضعیف می‌شوند.

- انجام ارزیابی‌های مداوم از یادگیری‌ها و ارائه‌ی سریع بازخوردها به دانشجویان. دانشجویان زمانی بهتر یاد می‌گیرند که در طول فرایند یادگیری خود، پیشنهادها و رهنمودهای سازنده‌ای از جانب استادان خود برای تغییر رفتار و بهبود تلاش‌ها و فعالیت‌هایشان دریافت کنند.

- تقویت و تشویق تجربه‌های یادگیری گروهی در دانشجویان. آنان با وجود نقد، همکاری و

حمایت دیگران، تجربه‌های یادگیری بهتری خواهند داشت.

- وجود زمان و دقت کافی برای مطالعه و یادگیری دروس عمومی بسیار مهم است. فقدان زمان کافی به بی‌دقتی در فراگیری منجر می‌شود؛ در صورتی که کسب دانش و مهارت با صرف وقت و انجام بحث و توضیح کافی تحقق می‌یابد.
- توجه به استعدادها و گوناگون، تفاوت‌های فردی و روش‌های یادگیری متنوع دانشجویان. همه‌ی یادگیرندگان به یک روش یاد نمی‌گیرند و توجه به این امر در برنامه‌ی درسی اگر چه مشکل، ولی امری الزامی است.
- برقراری ارتباطات علمی غیررسمی بیشتر بین استادان و دانشجویان که منافع زیادی را در بر دارد.

• وجود پژوهش‌های متعدد در این رابطه نمایانگر آن است که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در فاصله‌ی یک دهه، یعنی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰، م. در جهت تغییر و اصلاح برنامه‌های درسی آموزش عمومی خود، فعالیت قابل توجهی داشته‌اند. نظر مدیران دانشگاه‌ها (در رده‌های متفاوت) به‌طور فزاینده‌ای بر این است که برنامه‌ی درسی عمومی باید به‌صورت دینامیک و پویا، برای پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر اجتماعی، جذابیت‌های مورد علاقه‌ی دانشجویان و نیازهای مربوط به قلمرو گسترده‌ی دانش، مورد بازنگری قرار گیرد (Johnson & Ratcliff, 2004). البته برقراری ارتباط منطقی بین میراث سنتی گذشته و واقعیت‌های معاصر نیز بسیار ضروری است (Mardirosian, 2004)

بدیهی است همانند هر عنصر دیگری، نقش مؤثر برنامه‌های درسی آموزش عالی، در تحقق اهداف و رسالت‌های آموزش عالی منوط به بازبینی به‌موقع و مناسب آن‌هاست. برنامه‌ی درسی عمومی دوره‌های کارشناسی و کاردانی رشته‌های متفاوت آموزش عالی ایران، با عنوان «فرهنگ، معارف و عقاید اسلامی و آگاهی‌های عمومی»، پس از انقلاب اسلامی طبق مصوبه‌ی مورخ ۱۳۶۱/۶/۱۳ «ستاد انقلاب فرهنگی» به دانشگاه‌ها برای اجرا ابلاغ شد. این دروس با هدف کلی توسعه بخشیدن به اطلاعات و معلومات عمومی دانشجویان و رشد بینش فرهنگی آنان، براساس فرهنگ و معارف و عقاید اسلامی و برای آشنایی با منطق و روش‌های علمی عرضه شده است. طبق برنامه، گذراندن این دروس برای تمامی دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سایر مؤسسات مجاز تحت نظارت این وزارتخانه در تمامی رشته‌های آموزش عالی در دوره‌های کاردانی و کارشناسی اجباری است. بازنگری در این دروس در چند نوبت و به‌صورت محدود صورت گرفته است. آخرین تغییرات برنامه‌ی درسی عمومی دانشگاه‌ها توسط «شورای عالی

انقلاب فرهنگی» طی مصوبه‌ی مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۳ اتفاق افتاد که البته چگونگی این تغییرات نیز در جای خود قابل بررسی است.

با توجه به سرعت فزاینده‌ی تولید علم در دنیای حاضر و همچنین، اهمیت خاص دروس عمومی در حوزه‌ی اندیشه‌پروری، بازمینی و تقویت این دروس در آموزش عالی ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. به نظر می‌رسد محدود کردن دروس عمومی در دانشگاه‌های ایران به چند درس خاص، پاسخ‌گوی نیازهای جامعه نیست. توجه به ساختار اجباری - اختیاری در همه‌ی انواع دروس عمومی و به عبارت دیگر، ایجاد تنوع در آن‌ها، بهتر می‌تواند به تولید فکر، اندیشه، علاقه و ابتکار کمک کند. همچنین، ضروری است که در مرحله‌ی تدوین برنامه‌ی درسی، افراد درگیر و ذی‌ربط، تمامی تجربه‌ها و خلاقیت خود را برای بحث، بررسی و بازمینی مستمر به‌کار برند (دیاموند، ۱۳۸۵: ۶۱).

آنچه در منابع برنامه‌ی درسی به وفور دیده می‌شود، بازمینی مداوم، به‌موقع و مناسب برنامه‌های درسی است؛ به‌گونه‌ای که بتواند پاسخ‌گوی نیازها و شرایط روز باشد. در بررسی برنامه‌ی درسی عمومی دانشگاه‌های ایران نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به پژوهش نظام‌الدین اشرفی‌زاده با عنوان «طرح بازننگری دروس عمومی دوره‌ی کارشناسی مهندسی» در سال ۱۳۸۱، پژوهش حسن نوروزی با عنوان «بررسی میزان اثربخشی دروس تربیت بدنی عمومی یک و دو از دیدگاه دانشجویان و مربیان در دانشگاه فردوسی مشهد» در سال ۱۳۸۳، پژوهش احمد علی محجوت با عنوان «شیوه‌های ارائه‌ی آموزش‌های عمومی، پایه، اصلی و تخصصی در آموزش‌های علمی - کاربردی» در سال ۱۳۷۳، پژوهش جبار بشیری با عنوان «بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به دروس عمومی تربیت بدنی ۱ و ۲» و پژوهش حجت‌الله ایزدی با عنوان «تبیین جایگاه دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها» در سال ۱۳۸۳ اشاره کرد.

ملاحظه‌ی حیطه‌ی پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که همه‌ی دروس در این تحقیقات مورد توجه قرار نگرفته‌اند و بیشتر وضع موجود این دروس بررسی شده است. لذا پرداختن بیشتر و عمیق‌تر به برنامه‌ی درسی عمومی و انجام پژوهش‌های دیگر در این حیطه، می‌تواند نتایج و اطلاعات قابل استفاده‌ای را برای بازننگری این دروس ارائه کند. بر همین اساس موضوع پژوهش حاضر شکل گرفته است.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش، تحقیقی کاربردی است و با روش توصیفی نظرسنجی انجام شده است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش، اعضای هیئت علمی و دانشجویان سال آخر دوره‌ی کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی بودند. طبق آمار، تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی با توجه به در نظر گرفتن یک گروه آموزشی از هر دانشکده، ۷۹ نفر و تعداد دانشجویان دوره‌ی کارشناسی سال آخر (ورودی ۱۳۸۲) نیز، ۱۶۳۸ نفر بودند. لازم به ذکر است، دانشجویان سال آخر دوره‌ی کارشناسی با این پیش‌فرض مورد توجه قرار گرفته‌اند که آن‌ها تقریباً تمام یا بخش عمده‌ای از واحدهای دروس عمومی خود را گذرانده‌اند و بنابراین می‌توانند در این رابطه اظهار نظر کنند.

در این پژوهش، حجم نمونه‌ی اعضای هیئت علمی و حجم نمونه‌ی دانشجویان سال آخر دوره‌ی کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی، با توجه به جدول مورگان انتخاب شده است: اعضای هیئت علمی ۶۶ نفر و دانشجویان ۳۱۳ نفر. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی تصادفی بود که با در نظر گرفتن طبقه‌های عمده‌ی رشته‌های تحصیلی، یعنی علوم انسانی، علوم پایه، علوم طبیعی، فنی و مهندسی و گروه‌های آموزشی مورد نظر انجام شد.

در این پژوهش از پرسش‌نامه‌ی بسته‌پاسخ استفاده شد. اعتبار محتوایی آن مورد تأیید هشت نفر از صاحب‌نظران دانشگاهی در حیطه‌های مربوطه قرار گرفت و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (پرسش‌نامه‌ی استادان ۰/۸۷ و پرسش‌نامه دانشجویان ۰/۸۹) مورد تأیید واقع شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل آماری داده‌های گردآوری شده، از روش‌های متفاوت آمار توصیفی (فراوانی، درصد و میانگین) و آمار استنباطی (T-Test، تحلیل واریانس، آزمون تعقیبی LSD و آزمون فریدمن) استفاده شده است.

سوالات تحقیق

- ۱- آیا از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، برنامه‌ی درسی عمومی کنونی نظام آموزش عالی از ضرورت برخوردار است؟
- ۲- آیا بین نظرات دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در خصوص ضرورت برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
- ۳- راه‌کارهای «محتوایی و موضوعی» برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی کدام‌اند؟

- ۴- راه‌کارهای «انگیزشی و ساختاری» برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی کدام‌اند؟
- ۵- آیا بین نظرات دانشجویان دوره‌ی کارشناسی دانشکده‌های دانشگاه شهید بهشتی در زمینه‌ی راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
- ۶- آیا بین نظرات اعضای هیئت علمی دانشکده‌های دانشگاه شهید بهشتی در زمینه‌ی راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
- ۷- آیا بین نظرات دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در زمینه‌ی راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

یافته‌ها

براساس بررسی‌های به‌عمل آمده و اطلاعات گردآوری‌شده از اعضای نمونه‌ی تحقیق، به تفکیک، سؤالات به بیان نتایج و یافته‌های به‌دست‌آمده می‌پردازیم:

سؤال ۱: آیا از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، برنامه‌ی درسی عمومی کنونی نظام آموزش عالی از ضرورت برخوردار است؟

برای بررسی دقیق میزان ضرورت برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، نتایج به‌دست آمده در خصوص هر سؤال را به تفکیک مورد بررسی قرار می‌دهیم. در فرایند تحلیل داده‌ها، برای گزینه‌ی «کم» عدد ۱، برای گزینه‌ی «متوسط» عدد ۲، و برای گزینه‌ی «زیاد» عدد ۳ در نظر گرفته شده است.

فرض صفر: میانگین مساوی و یا بیشتر از ۲ فرض
خلاف: میانگین کمتر از ۲

برای بررسی و آزمودن فرض‌های تعیین‌شده، ابتدا میزان فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد این سؤال را محاسبه می‌کنیم و سپس با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای به تحلیل داده‌های به‌دست آمده از دانشجویان و اعضای هیئت علمی عضو نمونه‌ی تحقیق می‌پردازیم.

جدول ۱- جدول فراوانی، میانگین و T تک نمونه‌ای میزان ضرورت برنامه‌ی درسی دروس عمومی آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

سؤال	گروه	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	T	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌داری
میزان نقش محتوای دروس عمومی در افزایش اطلاعات و معلومات عمومی دانشجویان	دانشجو	۲۶۱	۲/۳۷۵۵	۰/۷۲۱۱۲	۸/۴۱۲	۲۶۰	۰/۰۰۰
	استاد	۴۶	۲/۴۱۳۰	۰/۷۴۷۶۲	۳/۷۴۷	۴۵	۰/۰۰۰
ضرورت محتوای دروس عمومی برای رشد بیش و فرهنگ دانشجویان	دانشجو	۲۵۳	۲/۳۲۸۱	۰/۷۵۰۰۵	۶/۹۵۷	۲۵۲	۰/۰۰۰
	استاد	۴۵	۲/۵۷۷۸	۰/۶۵۶۷۴	۵/۹۰۲	۴۴	۰/۰۰۱
ضرورت درس فارسی عمومی برای آشنایی دانشجویان با آثار ادبی شاعران و نویسندگان بزرگ ایرانی	دانشجو	۲۵۷	۲/۴۰۰۸	۰/۷۰۰۷۸	۹/۱۶۸	۲۵۶	۰/۰۰۰
	استاد	۴۶	۲/۵۶۵۲	۰/۶۵۴۹۷	۵/۸۵۳	۴۵	۰/۰۰۰
ضرورت درس فارسی عمومی برای آشنایی دانشجویان با دستور زبان و ادب فارسی و آیین نگارش و ویرایش	دانشجو	۲۵۸	۲/۲۶۷۴	۰/۷۴۴۷۵	۵/۷۶۸	۲۵۷	۰/۰۰۰
	استاد	۴۶	۲/۶۰۸۷	۰/۵۷۶۵۱	۷/۱۶۱	۴۵	۰/۰۰۰
ضرورت درس فارسی عمومی برای تقویت قدرت تحلیل و نقد دانشجویان	دانشجو	۲۵۷	۲/۲۹۹۶	۰/۷۴۹۸۲	۶/۴۰۶	۲۵۶	۰/۰۰۰
	استاد	۴۶	۲/۳۶۹۶	۰/۷۴۱۱۳	۳/۳۸۲	۴۵	۰/۰۰۰
ضرورت درس فارسی عمومی برای تقویت قدرت سخنوری و ذوق و استعداد ادبی دانشجویان در حیطه‌ی تفکر و فرهنگ ایران زمین	دانشجو	۲۵۶	۲/۳۹۰۶	۰/۷۲۷۴۴	۸/۵۹۲	۲۵۵	۰/۰۰۱
	استاد	۴۶	۲/۶۰۸۷	۰/۶۴۹۰۴	۶/۳۶۱	۴۵	۰/۰۰۰
ضرورت درس زبان خارجه‌ی عمومی برای یادگیری دستور زبان خارجی توسط دانشجویان	دانشجو	۲۵۶	۲/۵۵۴۷	۰/۶۴۸۴۸	۱۳/۶۸۶	۲۵۵	۰/۰۰۰
	استاد	۴۶	۲/۵۸۷۰	۰/۶۸۵۶۰	۵/۸۰۶	۴۵	۰/۰۰۰

ضرورت و راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی دروس عمومی دوره‌ی کارشناسی از دیدگاه دانشجویان ... ۱۰۵

۰/۰۰۰	۲۵۹	۱۴/۶۰۳	۰/۶۵۴۰۲	۲/۵۹۲۳	۲۶۰	دانشجو	ضرورت درس زبان خارجه‌ی عمومی
۰/۰۰۰	۴۵	۷/۶۳۹	۰/۵۹۸۳۱	۲/۶۷۳۹	۴۶	استاد	برای ایجاد توانایی در دانشجویان برای ترجمه از زبانی به زبان دیگر
۰/۰۰۰	۲۳۳	۱۹/۸۰۴	۰/۵۳۸۰۷	۲/۶۹۶۶	۲۳۴	دانشجو	ضرورت درس تنظیم خانواده برای افزایش آگاهی دانشجویان از ضرورت و روش‌های تنظیم خانواده
۰/۰۰۰	۴۴	۹/۱۲۱	۰/۵۳۳۳۶	۲/۷۳۳۳	۴۵	استاد	
۰/۰۰۰	۲۵۳	۶/۷۸۴	۰/۷۵۸۴۲	۲/۳۲۲۸	۲۵۴	دانشجو	ضرورت دروس معارف اسلامی برای تعمیق و گسترش اطلاعات و آشنایی دینی دانشجویان با اصولی مانند: توحید، معاد، نبوت، امامت، ولایت و...
۰/۰۰۰	۴۵	۶/۴۴۸	۰/۶۱۷۳۸	۲/۵۸۷۰	۴۶	استاد	
۰/۰۰۰	۲۵۲	۴/۶۲۲	۰/۷۴۸۱۳	۲/۲۱۷۴	۲۵۳	دانشجو	ضرورت دروس معارف اسلامی برای گسترش آگاهی دانشجویان در زمینه‌ی نظام حقوقی و فقهی اسلام و انواع حقوق و آزادی مدنی و سیاسی انسان از دیدگاه اسلام
۰/۰۰۰	۴۵	۵/۶۱۲	۰/۶۵۶۸۱	۲/۵۴۳۵	۴۶	استاد	
۰/۰۰۰	۲۵۵	۳/۹۲۵	۰/۷۶۴۴۰	۲/۱۸۷۵	۲۵۶	دانشجو	ضرورت دروس معارف اسلامی برای آشنایی دانشجویان با اخلاق اسلامی و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی درباره‌ی اخلاق
۰/۰۰۰	۴۵	۷/۴۷۷	۰/۵۷۱۸۹	۲/۶۳۰۴	۴۶	استاد	
۰/۰۰۰	۲۵۲	۶/۰۲۳	۰/۷۷۲۴۳	۲/۲۹۲۵	۲۵۳	دانشجو	میزان نقش دروس معارف اسلامی برای رشد فضیلت‌های اخلاقی در دانشجویان
۰/۰۰۰	۴۵	۵/۱۵۲	۰/۶۵۸۲۸	۲/۵۰۰۰	۴۶	استاد	
۰/۰۰۰	۲۵۰	۷/۳۷۳	۰/۷۰۲۰۳	۲/۳۲۶۷	۲۵۱	دانشجو	ضرورت دروس معارف اسلامی برای آشنایی دانشجویان با زندگی پیامبر اکرم(ص) و تاریخ پیدایش و گسترش اسلام
۰/۰۰۰	۴۴	۷/۴۱۶	۰/۶۰۳۰۲	۲/۶۶۶۷	۴۵	استاد	
۰/۰۰۰	۲۵۱	۴/۲۴۷	۰/۷۴۱۷۰	۲/۱۹۸۴	۲۵۲	دانشجو	ضرورت دروس معارف اسلامی برای آشنایی دانشجویان با چگونگی وقوع و گسترش انقلاب اسلامی
۰/۰۰۰	۴۳	۴/۱۱۹	۰/۶۹۵۴۲	۲/۴۳۱۸	۴۴	استاد	

۰/۰۰۰	۲۴۸	۳/۷۳۵	۰/۷۴۶۵۶	۲/۱۷۶۷	۲۴۹	دانشجو	ضرورت دروس معارف اسلامی برای آشنایی دانشجویان با شیوه‌های صحیح استفاده از منابع و متون اسلامی (قرآن و نهج‌البلاغه)
۰/۰۰۰	۴۵	۶/۳۶۱	۰/۶۴۹۰۴	۲/۶۰۸۷	۴۶	استاد	
۰/۰۰۰	۲۴۲	۹/۵۸۰	۰/۷۰۳۰۹	۲/۴۳۲۱	۲۴۳	دانشجو	ضرورت دروس تربیت‌بدنی برای یادگیری اصول و قواعد صحیح تربیت جسمانی یا بدنی توسط دانشجویان
۰/۰۰۰	۴۴	۶/۵۱۴	۰/۶۱۷۹۱	۲/۶۰۰۰	۴۵	استاد	
۰/۰۰۰	۲۴۳	۱۰/۸۹۷	۰/۶۸۱۴۸	۲/۴۷۵۴	۲۴۴	دانشجو	ضرورت دروس تربیت بدنی برای یادگیری مهارت‌های ورزشی و کسب آمادگی جسمانی توسط دانشجویان
۰/۰۰۰	۴۴	۶/۶۴۰	۰/۵۷۹۹۷	۲/۶۰۰۰	۴۵	استاد	
۰/۰۰۰	۲۴۴	۷/۴۳۴	۰/۶۹۶۰۷	۲/۳۳۰۶	۲۴۵	دانشجو	ضرورت دروس تربیت بدنی برای یادگیری قوانین و مقررات ورزشی توسط دانشجویان
۰/۰۰۰	۴۴	۴/۳۱۳				استاد	

با توجه به مقدار t و سطح معنی‌داری به‌دست آمده، نتیجه می‌گیریم که در کلیه‌ی سؤالات از دیدگاه دانشجویان و استادان، فرض صفر مبنی بر این‌که میانگین برابر و یا بیشتر از ۲ است، تأیید شده و فرض Y رد می‌شود. به عبارت بهتر از دیدگاه دانشجویان و استادان، برنامه‌ی درسی عمومی کنونی نظام آموزش عالی از ضرورت کمی برخوردار نیست.

برای بررسی این‌که از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی به ترتیب از کمترین به بیشترین میزان ضرورت چگونه است، با استفاده از آزمون فریدمن، این اولویت‌بندی‌ها را استخراج کردیم:

جدول ۲- اولویت‌بندی میزان ضرورت برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی (از کمترین به بیشترین) از دیدگاه دانشجویان دوره‌ی کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی

میانگین	ضرورت برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی
۹/۱۹	ضرورت دروس معارف اسلامی در آشنایی دانشجویان با شیوه‌های صحیح استفاده از منابع و متون اسلامی (قرآن و نهج‌البلاغه)
۹/۲۷	ضرورت دروس معارف اسلامی برای گسترش آگاهی دانشجویان در زمینه‌ی ویژگی‌های نظام حقوقی و فقهی اسلام و انواع حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی انسان از دیدگاه اسلام

۹/۲۸	ضرورت دروس معارف اسلامی برای آشنایی دانشجویان با چگونگی وقوع و گسترش انقلاب اسلامی
۹/۳۲	ضرورت دروس معارف اسلامی برای آشنایی دانشجویان با اخلاق اسلامی و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی درباره‌ی اخلاق
۹/۵۱	ضرورت درس فارسی عمومی برای آشنایی دانشجویان با دستور زبان و ادب فارسی و آیین نگارش و ویرایش
۹/۷۳	ضرورت درس فارسی عمومی برای تقویت قدرت تحلیل و نقد دانشجویان
۹/۹۵	ضرورت دروس تربیت بدنی برای یادگیری از قوانین و مقررات ورزشی توسط دانشجویان
۱۰/۰۲	میزان نقش دروس معارف اسلامی در رشد فضیلت‌های اخلاقی در دانشجویان
۱۰/۲۴	ضرورت محتوای دروس عمومی برای رشد بیش و فرهنگ دانشجویان
۱۰/۲۶	ضرورت دروس معارف اسلامی برای آشنایی دانشجویان با زندگانی پیامبر اکرم(ص) و تاریخ پیدایش و گسترش اسلام
۱۰/۳۸	ضرورت درس فارسی عمومی برای تقویت قدرت سخنوری و ذوق و استعداد ادبی دانشجویان در حیطه‌ی تفکر و فرهنگ ایران زمین
۱۰/۵۱	ضرورت دروس معارف اسلامی برای تعمیق و گسترش اطلاعات و آشنایی دینی دانشجویان پیرامون اصولی مانند: توحید، معاد، نبوت، امامت، ولایت...
۱۰/۹۰	ضرورت درس فارسی عمومی برای آشنایی دانشجویان با آثار ادبی شاعران و نویسندگان بزرگ ایرانی
۱۱/۰۸	میزان نقش محتوای دروس عمومی در افزایش اطلاعات و معلومات عمومی دانشجویان
۱۱/۳۲	ضرورت دروس تربیت‌بدنی برای یادگیری دانشجویان از اصول و قواعد صحیح تربیت جسمانی یا بدنی
۱۱/۳۳	ضرورت دروس تربیت بدنی برای یادگیری مهارت‌های ورزشی و کسب آمادگی جسمانی توسط دانشجویان
۱۲/۱۴	ضرورت درس زبان خارجه عمومی برای یادگیری دستور زبان خارجی توسط دانشجویان
۱۲/۴۶	ضرورت درس زبان خارجه عمومی برای ایجاد توانایی در دانشجویان در ترجمه از زبانی به زبان دیگر
۱۳/۱۲	ضرورت درس تنظیم خانواده برای افزایش آگاهی دانشجویان از ضرورت و روش‌های تنظیم خانواده

همان‌گونه که براساس نتایج جدول ۲ ملاحظه می‌شود، از دیدگاه دانشجویان دوره‌ی کارشناسی

دانشگاه شهید بهشتی در مجموعه‌ی دروس عمومی دانشگاهی، «تأثیر دروس معارف اسلامی در آشنایی دانشجویان با شیوه‌های صحیح استفاده از منابع و متون اسلامی (قرآن و نهج البلاغه)» و «دروس معارف اسلامی برای گسترش آگاهی دانشجویان در زمینه‌ی ویژگی‌های نظام حقوقی و فقهی اسلام و انواع حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی انسان از دیدگاه اسلام» دارای کمترین ضرورت و «درس تنظیم خانواده برای افزایش آگاهی دانشجویان از ضرورت و روش‌های تنظیم خانواده» و درس زبان خارجه‌ی عمومی برای ایجاد توانایی در دانشجویان برای ترجمه از زبانی به زبان دیگر» دارای بیشترین ضرورت هستند.

جدول ۳- اولویت بندی میزان ضرورت برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی (از کمترین به

بیشترین) از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

میانگین	ضرورت برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی
۹/۰۱	ضرورت درس فارسی عمومی برای تقویت قدرت تحلیل و نقد دانشجویان
۹/۲۱	ضرورت دروس معارف اسلامی برای آشنایی دانشجویان با چگونگی وقوع و گسترش انقلاب اسلامی
۹/۳۸	ضرورت دروس تربیت بدنی برای یادگیری دانشجویان از قوانین و مقررات ورزشی
۹/۵۱	میزان نقش محتوای دروس عمومی در افزایش اطلاعات و معلومات عمومی دانشجویان
۹/۸۵	میزان نقش دروس معارف اسلامی در رشد فضیلت‌های اخلاقی در دانشجویان
۱۰/۱۶	ضرورت دروس معارف اسلامی برای گسترش آگاهی دانشجویان در زمینه‌ی ویژگی‌های نظام حقوقی و فقهی اسلام و انواع حقوق و آزادی مدنی و سیاسی انسان از دیدگاه اسلام
۱۰/۵۷	ضرورت درس فارسی عمومی برای آشنایی دانشجویان با آثار ادبی شاعران و نویسندگان بزرگ ایرانی
۱۰/۶۲	ضرورت درس زبان خارجه عمومی برای یادگیری دستور زبان خارجی توسط دانشجویان
۱۰/۶۳	ضرورت دروس تربیت بدنی برای یادگیری مهارت‌های ورزشی و کسب آمادگی جسمانی توسط دانشجویان
۱۰/۷۲	ضرورت دروس معارف اسلامی برای آشنایی دانشجویان با شیوه‌های صحیح استفاده از منابع و متون اسلامی (قرآن و نهج البلاغه)

۱۰/۷۸	ضرورت دروس معارف اسلامی برای تعمیق و گسترش اطلاعات و آشنایی دینی دانشجویان پیرامون اصولی مانند: توحید، معاد، نبوت، امامت، ولایت...
۱۰/۸۰	ضرورت دروس تربیت‌بدنی برای یادگیری دانشجویان از اصول و قواعد صحیح تربیت جسمانی یا بدنی
۱۰/۸۲	ضرورت درس فارسی عمومی برای تقویت قدرت سخنوری و ذوق و استعداد ادبی دانشجویان در حیطه تفکر و فرهنگ ایران زمین
۱۰/۸۸	ضرورت درس فارسی عمومی برای آشنایی دانشجویان با دستور زبان و ادب فارسی و آیین نگارش و ویرایش
۱۰/۸۹	ضرورت دروس معارف اسلامی برای آشنایی دانشجویان با اخلاق اسلامی و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی درباره‌ی اخلاق
۱۱/۲۶	ضرورت محتوای دروس عمومی برای رشد بیش و فرهنگ دانشجویان
۱۱/۴۱	ضرورت دروس معارف اسلامی برای آشنایی دانشجویان با زندگانی پیامبر اکرم(ص) و تاریخ پیدایش و گسترش اسلام
۱۱/۸۷	ضرورت درس زبان خارجه عمومی برای ایجاد توانایی در دانشجویان در ترجمه از زبانی به زبان دیگر
۱۲/۱۱	ضرورت درس تنظیم خانواده برای افزایش آگاهی دانشجویان از ضرورت و روش‌های تنظیم خانواده

همان‌گونه که براساس نتایج جدول ۳ ملاحظه می‌شود، از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در مجموعه‌ی دروس عمومی دانشگاهی، «درس فارسی عمومی برای تقویت قدرت تحلیل و نقد دانشجویان» و «دروس معارف اسلامی برای آشنایی دانشجویان با چگونگی وقوع و گسترش انقلاب اسلامی» دارای کمترین ضرورت و «درس تنظیم خانواده در افزایش آگاهی دانشجویان از ضرورت و روش‌های تنظیم خانواده» و «تأثیر درس زبان خارجه عمومی در ایجاد توانایی در دانشجویان برای ترجمه از زبانی به زبان دیگر» دارای بیشترین ضرورت می‌باشد.

سؤال ۲- آیا بین نظرات دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در خصوص ضرورت برنامه درسی عمومی آموزش عالی تفاوت معنی داری وجود دارد؟

برای پاسخ به این سؤال از آزمون T-Test استفاده کردیم.

جدول ۴. جدول آمار توصیفی و T-Test نظرات دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در خصوص میزان ضرورت برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی

گروه	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌داری
دانشجو	۲۶۴	۴۲/۸۴۰۹	۹/۸۹۳۹۹	۳/۵۲۳	۳۰۸	۰/۰۰۰
هیئت علمی	۴۶	۴۸/۲۸۲۶	۸/۲۲۱۰۱			

با توجه به این که سطح معنی‌داری به دست آمده کمتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌گیریم که بین میزان ضرورت برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

سؤال ۳- راه کارهای «محتوایی و موضوعی» برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی کدام‌اند؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال، ۱۸ سؤال مرتبط با راه‌کارهای محتوایی و موضوعی برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی، در پرسش‌نامه‌ی طرح و درباره‌ی میزان ضرورت این راه‌کارها، از دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی نظرسنجی شد. داده‌های جمع‌آوری شده، پس از دسته‌بندی با استفاده از آماره‌ی فریدمن، اولویت‌بندی شدند. جدول ۵، اولویت این راه‌کارها را از دیدگاه دانشجویان و استادان نشان می‌دهد.

جدول ۵. جدول اولویت بندی راه‌کارهای (محتوایی و موضوعی) برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان دوره‌ی کارشناسی و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

استادان		دانشجویان		اولویت راه‌کار
رتبه	میانگین	رتبه	میانگین	
۶	۱۰/۴۷	۱	۱۰/۹۳	افزایش آگاهی دانشجویان از اصول روان‌شناسی و بهداشت روان به منظور کاربرد در زندگی و مسائل شخصی از طریق دروس عمومی دانشگاهی
۹	۱۰/۲۵	۲	۱۰/۸۰	افزایش آگاهی دانشجویان از مدیریت وقت و زمان از طریق دروس عمومی دانشگاهی
۱	۱۱/۳۴	۳	۱۰/۶۸	یادگیری مهارت‌های ارتباطی توسط دانشجویان از طریق دروس عمومی دانشگاهی
۷	۱۰/۳۵	۴	۱۰/۶۰	افزایش آگاهی دانشجویان از روش تحقیق و مقاله نویسی علمی از طریق دروس عمومی دانشگاهی
۳	۱۰/۷۵	۵	۱۰/۳۶	افزایش اطلاعات و مهارت‌های دانشجویان در خصوص نحوه‌ی استفاده از کتابخانه، مرجع‌ها و ... از طریق دروس عمومی دانشگاهی
۴	۱۰/۷۳	۶	۱۰/۲۵	افزایش آگاهی دانشجویان از تفکر منطقی و روش‌های علمی از طریق دروس عمومی دانشگاهی
۲	۱۱/۰۷	۷	۹/۹۱	افزایش فرهنگ و مهارت‌های مطالعه (تند خوانی، به‌یادسپاری، یادآوری و ...)
۱۵	۸/۴۹	۸	۹/۹۱	افزایش آگاهی دانشجویان از مدیریت استرس از طریق دروس عمومی دانشگاهی
۵	۱۰/۵۸	۹	۹/۸۹	افزایش آگاهی و مهارت‌های دانشجویان در خصوص بهداشت جسمانی شخصی از طریق دروس عمومی دانشگاهی
۸	۱۰/۳۳	۱۰	۹/۸۴	افزایش فرهنگ، دانش و مهارت‌های کارآفرینی در دانشجویان از طریق دروس عمومی دانشگاهی
۱۲	۹/۲۲	۱۱	۹/۷۲	افزایش آگاهی دانشجویان از اقتصاد زندگی از طریق دروس عمومی دانشگاهی

۱۰	۹/۷۵	۱۲	۹/۶۶	افزایش آگاهی دانشجویان از فرهنگ صلح، انسان دوستی و حقوق بشر از طریق دروس عمومی دانشگاهی
۱۳	۸/۹۲	۱۳	۹/۶۰	افزایش آگاهی دانشجویان از فرهنگ‌های متفاوت دنیا از طریق دروس عمومی دانشگاهی
۱۴	۸/۹۰	۱۴	۹/۰۸	افزایش آگاهی دانشجویان از محیط زیست و چگونگی حفظ و بهره‌برداری از آن از طریق دروس عمومی دانشگاهی در عصر حاضر
۱۱	۹/۵۵	۱۵	۸/۹۷	افزایش آگاهی دانشجویان از قانون اساسی و نحوه‌ی استفاده از آن در امور جاری زندگی از طریق دروس عمومی دانشگاهی
۱۶	۷/۸۴	۱۶	۷/۴۷	افزایش آگاهی دانشجویان از فلسفه‌ی علم از طریق دروس عمومی دانشگاهی
۱۷	۶/۴۴	۱۷	۷/۰۳	افزایش آگاهی دانشجویان از اصول و کاربرد علم ریاضی از طریق دروس عمومی دانشگاهی

همان‌گونه که از نتایج مندرج در جدول ۵ استفاده می‌شود، از دیدگاه دانشجویان در مجموعه راه‌کارهای موضوعی و محتوایی برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی «افزایش آگاهی دانشجویان از اصول روان‌شناسی و بهداشت روان به منظور کاربرد در زندگی و مسائل شخصی»، «افزایش آگاهی دانشجویان از مدیریت وقت و زمان» و «یادگیری مهارت‌های ارتباطی توسط دانشجویان» از طریق دروس عمومی دانشگاهی دارای بالاترین/اولویت و از سوی دیگر، «افزایش آگاهی دانشجویان از اصول و کاربرد علم ریاضی» و «افزایش آگاهی دانشجویان از فلسفه‌ی علم» از طریق دروس عمومی دانشگاهی کمترین/اولویت را در بین این راه‌کارها دارند.

هم‌چنین، می‌توان گفت که از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، «یادگیری مهارت‌های ارتباطی توسط دانشجویان» «افزایش فرهنگ و مهارت‌های مطالعه (تند خوانی، به‌یادسپاری، یادآوری و...) در دانشجویان»، و «افزایش اطلاعات و مهارت‌های دانشجویان در خصوص نحوه‌ی استفاده از کتابخانه، مرجع‌ها و...» از طریق دروس عمومی دانشگاهی دارای بیشترین/اولویت هستند و از سوی دیگر، «افزایش آگاهی دانشجویان از اصول و کاربرد علم ریاضی» و «افزایش آگاهی دانشجویان از فلسفه علم» از طریق دروس عمومی دانشگاهی کمترین/اولویت را در این بین دارند.

سؤال ۴- راه کارهای «انگیزشی و ساختاری» برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی کدام‌اند؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال، ۱۰ سؤال مرتبط با راه‌کارهای انگیزشی و ساختاری برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی در پرسش‌نامه طرح و درباره‌ی میزان ضرورت این راه‌کارها از دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی نظرسنجی شد. داده‌های جمع‌آوری شده، پس از دسته‌بندی با استفاده از آماره‌ی فریدمن، اولویت‌بندی شدند. جداول ۶ و ۷، اولویت این راه‌کارها را از دیدگاه دانشجویان و استادان نشان می‌دهند.

جدول ۶- جدول اولویت‌بندی راه‌کارهای (انگیزشی و ساختاری) برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان دوره‌ی کارشناسی و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

استادان		دانشجویان		اولویت راه‌کار
رتبه	میانگین	رتبه	میانگین	
۳	۶/۵۳	۱	۷/۲۶	افزایش تعداد واحدهای درس زبان خارجه
۲	۶/۹۲	۲	۷/۱۷	بازنگری در محتوای دروس عمومی دانشگاهی
۱	۷/۰۷	۳	۶/۷۸	بازنگری در عناوین دروس عمومی دانشگاهی
۵	۵/۹۱	۴	۶/۱۲	کاهش تعداد واحدهای دروس معارف اسلامی
۹	۴/۸۷	۵	۵/۹۸	اختیاری بودن دروس عمومی در دانشگاه‌ها
۴	۶/۰۴	۶	۵/۵۴	برنامه‌ریزی دروس عمومی دانشگاه‌ها به صورت غیرمتمرکز و توسط دانشگاه‌ها
۶	۵/۸۳	۷	۵/۱۱	افزایش انگیزه‌های دانشجویان برای شرکت فعال در کلاس‌های دروس عمومی
۷	۵/۶۴	۸	۵/۰۳	ارتقای جایگاه و اصلاح دیدگاه دانشجویان در خصوص دروس عمومی نسبت به دروس تخصصی دانشگاه‌ها
۸	۵/۳۶	۹	۴/۷۰	ادامه‌ی ارائه‌ی دروس عمومی در دوره‌ی کارشناسی دانشگاه‌ها
۱۰	۳/۵۹	۱۰	۳/۴۵	استمرار ارائه‌ی دروس عمومی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکترا) دانشگاه‌ها

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در بین راه‌کارهای انگیزشی و ساختاری ارائه شده برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی، از دیدگاه دانشجویان، «افزایش تعداد واحدهای درس زبان خارجه»، «بازنگری در محتوای دروس عمومی دانشگاهی» و «بازنگری در عناوین دروس عمومی دانشگاهی» دارای بیشترین اولویت و «استمرار ارائه‌ی دروس عمومی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها»، «ادامه‌ی ارائه‌ی دروس عمومی در دوره‌ی کارشناسی دانشگاه‌ها» و «ارتقای جایگاه و اصلاح دیدگاه دانشجویان در خصوص دروس عمومی نسبت به دروس تخصصی دانشگاه‌ها» دارای کمترین اولویت و اهمیت هستند.

هم‌چنین می‌توان گفت که از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، «بازنگری در عناوین دروس عمومی دانشگاهی»، «بازنگری در محتوای دروس عمومی دانشگاهی» و «افزایش تعداد واحدهای درس زبان خارجه» دارای بیشترین اولویت و «استمرار ارائه‌ی دروس عمومی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها»، «اختیاری بودن دروس عمومی در دانشگاه‌ها» و «ادامه‌ی ارائه‌ی دروس عمومی در دوره‌ی کارشناسی دانشگاه‌ها» دارای کمترین اولویت هستند.

اکنون با استفاده از آماره‌ی فریدمن، اولویت بندی راه‌کارهای مورد نظر دانشجویان و اعضای هیئت علمی (تلفیقی) اعم از «موضوعی و محتوایی، و انگیزشی و ساختاری» برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی را به‌دست می‌آوریم.

جدول ۷ - جدول اولویت‌بندی راه‌کارهای دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی

اولویت	راه‌کار بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی	میانگین
۱	افزایش تعداد واحدهای درس زبان خارجه	۱۹/۴۵
۲	بازنگری در محتوای دروس عمومی دانشگاه‌ها	۱۹/۲۲
۳	بازنگری در عناوین دروس عمومی دانشگاه‌ها	۱۸/۶۰
۴	افزایش آگاهی دانشجویان از اصول روان‌شناسی و بهداشت روان به منظور کاربرد در زندگی و مسائل شخصی از طریق دروس عمومی	۱۶/۴۴
۵	یادگیری مهارت‌های ارتباطی توسط دانشجویان از طریق دروس عمومی دانشگاهی	۱۶/۳۳

۱۶/۱۰	افزایش آگاهی دانشجویان از مدیریت وقت و زمان از طریق دروس عمومی دانشگاهی	۶
۱۶/۰۷	کاهش تعداد واحدهای دروس معارف اسلامی	۷
۱۶/۰۳	افزایش آگاهی دانشجویان از روش تحقیق و مقاله نویسی علمی از طریق دروس عمومی دانشگاهی	۸
۱۵/۷۰	افزایش اطلاعات و مهارت‌های دانشجویان در خصوص نحوه‌ی استفاده از کتابخانه، مرجع‌ها و... از طریق دروس عمومی دانشگاهی	۹
۱۵/۵۵	اختیاری بودن دروس عمومی در دانشگاه‌ها	۱۰
۱۵/۴۴	افزایش فرهنگ و مهارت‌های مطالعه (تندخوانی، به‌یادسپاری، یادآوری و...) در دانشجویان از طریق دروس عمومی دانشگاهی	۱۱
۱۵/۴۲	افزایش آگاهی دانشجویان از تفکر منطقی و روش‌های علمی از طریق دروس عمومی دانشگاهی	۱۲
۱۵/۲۶	افزایش آگاهی و مهارت‌های دانشجویان در خصوص بهداشت جسمانی شخصی از طریق دروس عمومی دانشگاهی	۱۳
۱۵/۰۹	افزایش فرهنگ، دانش و مهارت‌های کارآفرینی در دانشجویان از طریق دروس عمومی دانشگاهی	۱۴
۱۴/۹۵	برنامه‌ریزی دروس عمومی دانشگاه‌ها به صورت غیرمتمرکز و توسط دانشگاه‌ها	۱۵
۱۴/۸۲	افزایش آگاهی دانشجویان از فرهنگ صلح، انسان‌دوستی و حقوق بشر از طریق دروس عمومی دانشگاهی	۱۶
۱۴/۷۶	افزایش آگاهی دانشجویان از مدیریت استرس از طریق دروس عمومی دانشگاهی	۱۷
۱۴/۷۰	افزایش آگاهی دانشجویان از اقتصاد زندگی از طریق دروس عمومی دانشگاهی	۱۸
۱۴/۴۷	افزایش آگاهی دانشجویان از فرهنگ‌های متفاوت دنیا از طریق دروس عمومی دانشگاهی	۱۹
۱۳/۷۰	افزایش انگیزه‌های دانشجویان برای شرکت فعال در کلاس‌های دروس عمومی	۲۰
۱۳/۶۹	افزایش آگاهی دانشجویان از قانون اساسی و نحوه‌ی استفاده از آن در امور جاری زندگی از طریق دروس عمومی دانشگاهی	۲۱

۱۳/۵۴	افزایش آگاهی دانشجویان از محیط زیست و چگونگی حفظ و بهره‌برداری از آن از طریق دروس عمومی دانشگاهی	۲۲
۱۳/۵۰	ارتقای جایگاه و اصلاح دیدگاه دانشجویان در خصوص دروس عمومی نسبت به دروس تخصصی دانشگاه‌ها	۲۳
۱۲/۷۸	ادامه‌ی ارائه‌ی دروس عمومی در دوره‌ی کارشناسی دانشگاه‌ها	۲۴
۱۱/۴۲	افزایش آگاهی دانشجویان از فلسفه‌ی علم از طریق دروس عمومی دانشگاه‌ها	۲۵
۱۰/۳۳	افزایش آگاهی دانشجویان از اصول و کاربرد علم ریاضی از طریق دروس عمومی دانشگاهی	۲۶
۹/۲۰	استمرار ارائه‌ی دروس عمومی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکترا)	۲۷

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، جدول ۷، تلفیقی از نظرات ارائه شده توسط دانشجویان دوره‌ی کارشناسی و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در خصوص راه‌کارهای «محتوایی و موضوعی» و «انگیزشی و ساختاری» برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی را ارائه داده است. براساس نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان گفت که از نظر دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، در مجموعه‌ی راه‌کارهای ارائه شده برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی، «افزایش تعداد واحدهای درس زبان خارجه»، «بازنگری در محتوای دروس عمومی دانشگاه‌ها»، «بازنگری در عناوین دروس عمومی دانشگاه‌ها»، «افزایش آگاهی دانشجویان از اصول روان‌شناسی و بهداشت روان به منظور کاربرد در زندگی و مسائل شخصی» و «یادگیری مهارت‌های ارتباطی توسط دانشجویان» از طریق دروس عمومی دانشگاهی در *پنج/ولویت/اول*، و «استمرار ارائه‌ی دروس عمومی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی»، «افزایش آگاهی دانشجویان از اصول و کاربرد علم ریاضی از طریق دروس عمومی دانشگاهی»، «افزایش آگاهی دانشجویان از فلسفه‌ی علم از طریق دروس عمومی دانشگاه‌ها» و «ادامه‌ی ارائه‌ی دروس عمومی در دوره‌ی کارشناسی دانشگاه‌ها» در *چهار/ولویت آخر* قرار دارند.

سؤال ۵- آیا بین نظرات دانشجویان دوره‌ی کارشناسی دانشکده‌های دانشگاه شهید بهشتی در زمینه‌ی راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

سؤال ۶- آیا بین نظرات اعضای هیئت علمی دانشکده‌های دانشگاه شهید بهشتی در زمینه‌ی راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جدول ۸- جدول آمار توصیفی نظرات دانشجویان دوره‌ی کارشناسی دانشکده‌های دانشگاه شهید بهشتی در زمینه‌ی راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی

انحراف استاندارد	میانگین	حجم نمونه	گروه	دانشکده	
۱۵/۳۴۲۰۳	۵۳/۴	۱۰	دانشجویان	معماری	۱
۷/۹۴۹۸۴	۵۹	۶	استادان		
۱۱/۲۷۰۷۲	۵۹/۳۱۲۵	۱۶	دانشجویان	حقوق	۲
-	-	-	استادان		
۱۰/۰۳۶۷۰	۶۴/۸۳۳۳	۱۸	دانشجویان	علوم تربیتی و روانشناسی	۳
۱۴/۶۱۴۰۸	۶۷/۲۸۵۷	۷	استادان		
۸/۷۴۶۰۶	۶۱/۲۷۲۷	۲۲	دانشجویان	فنی مهندسی	۴
-	-	-	استادان		
۱۰/۳۰۶۳۹	۶۵/۱۸۷۵	۳۲	دانشجویان	علوم	۵
۱۰/۲۶۴۳۶	۵۹/۷۵	۸	استادان		
۱۵/۸۹۰۳۰	۵۸/۸۸۸۹	۳۶	دانشجویان	ادبیات و علوم انسانی	۶
۱۵/۰۳۶۶۲	۶۰/۱	۱۰	استادان		
۱۳/۹۳۳۵۲	۵۹/۵	۳۶	دانشجویان	مدیریت و حسابداری	۷
-	-	-	استادان		
۱۲/۲۵۳۲۵	۵۹/۴۷۲۲	۳۶	دانشجویان	علوم ریاضی و کامپیوتر	۸
۱۱/۲۱۱۶۰	۶۵/۸	۵	استادان		

۱۱/۹۵۰۱۹	۵۶/۸۴۲۱	۱۹	دانشجویان	علوم زمین	۹
۹/۱۲۶۸۸	۶۸/۶	۶	استادان		
۱۵/۰۱۵۶۲	۵۸/۷۰۴۵	۴۴	دانشجویان	علوم اقتصادی و سیاسی	۱۰
-	-	-	استادان		
۱۳/۰۸۳۴۹	۶۰/۰۳۷۲	۲۶۹	دانشجویان	جمع	۱۱
۱۱/۸۸۷۵۱	۶۲/۸۳۳۳	۴۲	استادان		

برای این‌که ببینیم آیا بین نظرات دانشجویان دوره‌ی کارشناسی دانشکده‌های متفاوت دانشگاه شهید بهشتی در خصوص راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد یا نه، با توجه به جدول ۸ از آزمون تحلیل واریانس استفاده کردیم.

جدول ۹- جدول تحلیل واریانس نظرات دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشکده‌های متفاوت دانشگاه شهید بهشتی درباره‌ی راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی

آماره	سطح	گروه	مجموع مجزورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجزورات	واریانس	سطح معنی‌داری
بین گروه‌ها	دانشجویان	۲۰۸۶/۸۳۹	۹	۲۳۱/۸۷۱	۱/۳۷۱	۰/۲۰۱	
	استادان	۵۸۸/۰۰۵	۶	۹۸/۰۰۱	۰/۶۵۹	۰/۶۸۳	
درون گروه‌ها	دانشجویان	۴۳۷۸۸/۷۸۹	۲۵۹	۱۶۹/۰۶۹			
	استادان	۵۲۰۵/۸۲۹	۳۵	۱۴۸/۷۳۸			
جمع	دانشجویان	۴۵۸۷۵/۶۲۸	۲۶۸				
	استادان	۵۷۹۳/۸۳۳	۴۱				

با توجه به این‌که سطح معنی‌داری به‌دست آمده در آزمون تحلیل واریانس، بالاتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت که دیدگاه‌های دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشکده‌های متفاوت دانشگاه شهید بهشتی در خصوص راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی، با یکدیگر تفاوت معنی‌داری ندارند. به عبارت دیگر، راه‌کارهای مورد نظر دانشجویان و اعضای هیئت علمی این

دانشکده‌ها برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی، مشابه‌اند.

سؤال ۷- آیا بین نظرات دانشجویان و اعضای هیئت علمی در زمینه‌ی راه‌کارهای بهبود برنامه درسی عمومی آموزش عالی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جدول ۱۰- جدول نظرات دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در زمینه‌ی راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی

گروه	حجم نمونه	میانگین	انحراف استاندارد
اعضای هیئت علمی	۴۷	۶۲/۶۳۸۳	۱۲/۲۹۹۵۷
دانشجویان	۲۶۹	۶۰/۰۳۷۲	۱۳/۰۸۳۴۹

با توجه به جدول ۱۰، برای بررسی این‌که آیا بین نظرات دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در خصوص راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد یا نه، از آزمون T-Test استفاده کردیم.

جدول ۱۱- جدول T-Test نظرات دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی درباره‌ی راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی

آزمون T-Test		
T	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌داری
۱/۲۶۸	۳۱۴	۰/۲۰۴

با توجه به این‌که سطح معنی‌داری به‌دست آمده (sig=۰/۲۰۶) بیشتر از ۰/۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معنی‌داری بین نظرات دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در خصوص راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی وجود ندارد.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نتیجه‌ی حاصل از سؤال ۱- تحقیق نشان می‌دهد که از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی از ضرورت زیادی برخوردار است. چهار اولویت آخر، کمترین ضرورت وجود دروس عمومی را از دیدگاه دانشجویان، دروس معارف اسلامی تشکیل داده است و بیشترین میزان ضرورت وجودی دروس عمومی از دیدگاه دانشجویان را نیز به ترتیب دروس تنظیم خانواده، زبان خارجه و تربیت بدنی تشکیل داده‌اند.

از دیدگاه اعضای هیئت علمی، کمترین ضرورت بین دروس عمومی، به درس فارسی عمومی در راستای تقویت قدرت تحلیل و نقد دانشجویان اختصاص یافته است و بیشترین میزان ضرورت نیز همانند دانشجویان به درس تنظیم خانواده داده شده است. این نتیجه نشان می‌دهد: گرچه دانشجویان و استادان به‌طور مشخص از اهداف دروس عمومی دانشگاهی آگاهی قابل قبولی ندارند، ولی ضرورت آن را تشخیص می‌دهند. این نتیجه‌ی بسیار مهمی است و می‌توان آن را از منابع مهم برنامه‌ریزی محسوب کرد؛ چرا که احساس نیاز، خود سرمنشأ تدوین برنامه است. در راستای نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان پیشنهاد کرد: با توجه به این که دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی معتقدند: درس «فارسی عمومی» به منظور «تقویت قدرت تحلیل و نقد دانشجویان» ضرورت چندانی ندارد، باید در اهداف این درس بازنگری و تجدید نظر صورت گیرد و یا اهداف مناسب‌تری، از جمله ایجاد زمینه‌های بهتر برای شناخت بیشتر زبان فارسی، مورد تأکید قرار گیرد.

با توجه به این که دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی معتقدند: ضرورتی برای وجود درس «معارف اسلامی» به منظور «آشنایی دانشجویان با چگونگی وقوع و گسترش انقلاب اسلامی» و «گسترش آگاهی دانشجویان در زمینه‌ی ویژگی‌های نظام حقوقی و فقهی اسلام و انواع حقوق و آزادی مدنی و سیاسی انسان» وجود ندارد، شایسته است که محتوای این درس برای تحقق اهداف یاد شده مورد بررسی قرار گیرند و در صورت لزوم، به‌روزرسانی شوند و یا این که ضرورت دستیابی به این اهداف، از طریق درس معارف اسلامی برای دانشگاهیان به خوبی تبیین شود.

از نتایج قابل توجه در این پژوهش آن است که درس‌های تنظیم خانواده و زبان خارجه‌ی عمومی ضروری تشخیص داده شده‌اند. این ضرورت با نیازهای فعلی جامعه‌ی امروزه و تقاضاهای مربوط به فارغ التحصیلان دانشگاهی هماهنگی دارد. لذا باید در جهت تطبیق و بهتر شدن وضعیت آن‌ها، برنامه‌ریزی بهتری صورت پذیرد. هم‌چنین، با توجه به این که ضرورت وجود درس «معارف اسلامی» برای «تعمیق و گسترش اطلاعات و آشنایی دینی دانشجویان پیرامون اصولی مانند: توحید، معاد،

نبوت، امامت، ولایت و...»، نسبتاً زیاد تشخیص داده شده است، برای تحقق عملی و مناسب این ضرورت، برنامه‌ریزی و اقدام لازم صورت پذیرد.

نتیجه‌ی حاصله از سؤال ۲ تحقیق نشان می‌دهد: بین نظرات دانشجویان و اعضای هیئت علمی در خصوص ضرورت دروس عمومی در دانشگاه‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بررسی‌های این تحقیق نشان می‌دهد که از نظر اعضای هیئت علمی نسبت به دانشجویان، دروس عمومی در دانشگاه از ضرورت بیشتری برخوردارند. اگر با توجه به فاصله‌ی اندک موجود بین میانگین‌های نظرات دو گروه، تفاوت معنی‌دار حاصل، ناشی از آزمون‌های به‌کار گرفته شده‌ی آماری نباشد، دلایل احتمالی این تفاوت معنی‌دار بین نظرات دانشجویان و اعضای هیئت علمی را می‌توان این‌گونه برشمرد: استادان با توجه به تجربه و مشاهده‌ی عینی که از زندگی و کار و نیازهای خاص برای موفقیت در این عرصه‌ها به مرور زمان پیدا کرده‌اند، به ضرورت و اهمیت وجود سلسله دروسی که فارغ از حیطه‌ی تخصصی رشته مورد نظر، توانایی‌های عمومی لازم برای زندگی کردن و موفق بودن را به دانشجویان بدهند، واقف‌ترند، و دانشجویان به واسطه‌ی مواجهه‌ی مستقیم با دروس عمومی، از ناکامی این دروس در تحقق اهداف پیش‌بینی شده و از عدم اجرای درست این برنامه‌ها، ناخرسندترند (بنا بر نتایج حاصل در همین تحقیق). شاید این ناخرسندی در تعدیل نسبی نظرات ایشان در خصوص ضرورت برنامه‌ی درسی عمومی دانشگاهی بی‌تأثیر نبوده است؛ دانشجویان به دلیل قرار گرفتن در دوره‌ی گذار و عدم تثبیت شرایط زندگی‌شان، شاید علاقه‌ی چندانی به گذراندن دروسی که هنوز با اهداف و ماهیت وجودی آنها آشنا نیستند، نداشته باشند و بخواهند که این دوره را سریع‌تر پشت سر بگذارند.

براساس نتایج حاصل از سؤال ۳ این تحقیق، راه‌کارهای محتوایی- موضوعی برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی، مورد سنجش و اولویت‌گذاری قرار گرفتند. بر این اساس، بیشترین اولویت راه‌کار بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی در حیطه‌ی محتوایی و موضوعی، از دیدگاه دانشجویان به «افزایش آگاهی دانشجویان از اصول روان‌شناسی و بهداشت روان به منظور کاربرد در زندگی و مسائل شخصی از طریق دروس عمومی دانشگاهی»، و از دیدگاه اعضای هیئت علمی به «یادگیری مهارت‌های ارتباطی توسط دانشجویان از طریق دروس عمومی دانشگاهی» اختصاص پیدا کرده است.

هم‌چنین براساس این جداول، یکی از کمترین و ضعیف‌ترین اولویت راهکارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی در حیطه‌ی محتوایی و موضوعی، هم از دیدگاه دانشجویان و هم از دیدگاه اعضای هیئت علمی، به «افزایش آگاهی دانشجویان از اصول و کاربرد علم ریاضی از طریق دروس

عمومی دانشگاهی» اختصاص پیدا کرده است. به‌طور کلی می‌توان گفت: پیشنهادهای محتوایی و موضوعی که در این تحقیق به دانشجویان و استادان عرضه شده، مورد استقبال آن‌ها قرار گرفته و میانگین نظرات آن‌ها در خصوص اغلب این پیشنهادها بالاتر از حد متوسط و به سمت زیاد بوده است. این مطلب نشان می‌دهد که این است که دروس عمومی در صورت توجه و برنامه‌ریزی دقیق و کارشناسی و البته مبتنی بر نیازهای روز و در صورت اجرای صحیح و اصولی تا چه حد می‌تواند در رفع نیازها و نیز توانمندسازی عمومی دانشجویان تأثیرگذار باشد.

پیشنهادها و اولویت‌های بالای مورد نظر دانشجویان و اعضای هیئت علمی از دیدگاه محتوایی و موضوعی برای بهبود برنامه‌ی درسی آموزش عالی، با فاصله‌ی کمی از یکدیگر قرار گرفته‌اند که نشان‌دهنده‌ی برخورداری اغلب راه‌کارها از اولویت نسبتاً بالا از دیدگاه دانشجویان و استادان است. درباره‌ی علت‌های احتمالی حصول نتیجه‌های فوق می‌توان چنین گفت:

- دانشجویان و اعضای هیئت علمی درباره‌ی اصل ضرورت وجود دروس عمومی دانشگاهی اتفاق نظر داشتند. لذا از راه‌کارهای محتوایی و موضوعی ارائه شده برای بهبود و اصلاح این دروس نیز استقبال خوبی کردند و میانگین نظرات ایشان در این باره بالاست. البته نارضایتی عمومی دانشجویان و اعضای هیئت علمی از وضع موجود برنامه‌ی درسی عمومی و نیز عدم تحقق اهداف این دروس نیز در اقبال به سمت راه‌کارهای اصلاحی بی‌تأثیر نبوده است.

- هر کدام از گروه دانشجویان و استادان از دیدگاه خود و براساس نیازهای مورد نظر خود به اولویت‌بندی و اظهار نظر درباره‌ی ایجاد عناوین و محتواهای جدید در دروس عمومی پرداخته‌اند. از این رو می‌توان حدس زد که در حال حاضر، مهم‌ترین نیاز دانشجویان برای تأمین از طریق دروس عمومی دانشگاهی، «افزایش آگاهی از اصول روان‌شناسی و بهداشت روان به منظور کاربرد در زندگی و مسائل شخصی از طریق دروس عمومی دانشگاهی» و از دیدگاه اعضای هیئت علمی، «یادگیری مهارت‌های ارتباطی توسط دانشجویان از طریق دروس عمومی دانشگاهی» است.

قبل از این، نظام‌الدین اشرفی‌زاده نیز در تحقیق خود که با عنوان «بازنگری دروس عمومی دوره‌ی کارشناسی مهندسی» انجام داد و در شماره‌ی ۱۵ مجله‌ی «آموزش مهندسی ایران» به چاپ رسیده بود، به ضرورت گنجانیدن دروس تخصصی مورد نیاز دانش‌آموختگان رشته‌های مهندسی اشاره کرده بود. از نتایج قابل توجه دیگر در این پژوهش آن است که از نظر دانشجویان و اعضای هیئت علمی، نیازی به یادگیری علم ریاضیات وجود ندارد و این موضوع در پایین‌ترین سطح راه‌کارهای پیشنهادی دانشجویان و استادان قرار گرفته است. نبود اطلاع‌رسانی مناسب و فقدان تبیین تأثیرات

و کاربردهای عملی علم ریاضیات در پیدایش این احساس عدم نیاز در دانشجویان و استادان نقش ویژه‌ای دارد. عملکرد نامطلوب نظام آموزشی نیز در این امر قابل چشم پوشی نیست. علی‌رغم این نتیجه باید بر ضرورت روزافزون یادگیری ریاضیات و نقش مؤثر آن در زندگی تأکید کرد و زمینه‌های احساس نیاز و ایجاد علاقه به یادگیری این علم را برای همه فراهم آورد.

عدم اصلاح و به روز رسانی دراز مدت عناوین و محتوای دروس عمومی در نظام آموزش عالی ایران را نیز می‌توان به عنوان علت دیگری در توجه زیاد دانشجویان و استادان به راه‌کارهای بهبود این دروس برشمرد. از سال ۱۳۶۴ که عناوین و محتوای دروس عمومی در دانشگاه‌ها مورد بازنگری و تغییرات کلی قرار گرفته‌اند، تا کنون که بیش از ۲۲ سال از آن زمان می‌گذرد، به‌جز یک مرحله‌ی بازنگری که در عناوین و محتوای دروس معارف اسلامی صورت گرفته، هیچ اقدام دیگری برای بازنگری و بازنویسی این دروس صورت نگرفته است. این در حالی است که سرعت تغییرات در جامعه‌ی معاصر ما بسیار تند شده است و قاعدتاً دانشگاه‌ها نه تنها نباید از این تغییرات عقب باشند، بلکه به نوعی باید زمینه‌ساز و هدایت‌کننده‌ی این تغییرات نیز باشند. ولی معلوم نیست که با این رکود و رختی که در سیستم دروس عمومی دانشگاه‌های ایران وجود دارد، دانشگاه چگونه باید به ایفای این نقش مهم و کلیدی خود پردازد. فشار حاصل از این رخت ۲۲ ساله را نیز می‌توان در توجه ویژه دانشجویان و استادان به ضرورت و راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی مؤثر دانست.

با توجه به نتایج حاصل از این سؤال می‌توان پیشنهاد کرد :

- درس‌هایی با عناوین: «روان شناسی و بهداشت روان»، «مهارت‌های ارتباطی»، «روش تحقیق و مقاله‌نویسی»، «نحوه‌ی استفاده از کتابخانه‌ها و مرجع‌ها»، «تفکر منطقی و روش‌های علمی»، «فرهنگ و مهارت‌های مطالعه» و «بهداشت جسمانی و شخصی»، در مجموعه‌ی دروس عمومی دانشگاه‌ها گنجانده شوند.

- با توجه به این‌که اغلب دانشجویان و استادان، اولویت پایین و اندکی را برای وجود درس «اصول و کاربرد علم ریاضی» در مجموعه‌ی دروس عمومی قائل شده‌اند و با عنایت به مبانی نظری قوی و مهمی که در خصوص کاربردهای قابل توجه درس ریاضی در توانمندسازی عمومی افراد و ارتقای قدرت تحلیل و نقد آن‌ها وجود دارد، علل و زمینه‌های نگرش منفی دانشجویان و استادان به درس ریاضی برای قرار گرفتن در دروس عمومی دانشگاهی بررسی و مطالعه شود و اقدامات لازم به منظور توجیه و تبیین کارکردهای درس ریاضی برای دانشجویان و استادان در

قالب نگارش کتاب و جزوه، برگزاری مسابقه، همایش و نشست، و... صورت پذیرد.

- به نظر می‌رسد یکی از دلایل نظر نامساعد دانشجویان و استادان نسبت به درس ریاضی، به دوره‌های گذشته تحصیلی و مواجهه‌ی اولیه آن‌ها با این درس بازگردد. بنابراین در تعریف و ارائه‌ی درس ریاضی در دوره‌ی تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، بازنگاری و تجدیدنظر جدی شود و برای ارتقای جایگاه و اصلاح دیدگاه دانش‌آموزان نسبت به این درس، برنامه‌ریزی و اقدام لازم صورت پذیرد.

براساس نتایج حاصل از سؤال ۴ تحقیق، راه‌کارهای انگیزشی - ساختاری برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان و استادان دانشگاه شهید بهشتی مورد سنجش و اولویت‌گذاری قرار گرفتند. بر این اساس می‌توان گفت: «افزایش تعداد واحدهای درس زبان خارجه» از دیدگاه دانشجویان و «بازنگری در عناوین دروس عمومی دانشگاهی» از دیدگاه اعضای هیئت علمی، دارای بیشترین میزان اولویت برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی هستند. همچنین، «استمرار ارائه‌ی دروس عمومی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها» از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی دارای کمترین اولویت و اهمیت برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی است.

«کاهش تعداد واحدهای دروس معارف اسلامی» و «بازنگری در محتوا و عناوین دروس عمومی دانشگاه‌ها» از اولویت‌های بالای مورد نظر دانشجویان و استادان برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی محسوب می‌شوند. «اختیاری بودن انتخاب دروس عمومی دانشگاهی» نیز از اولویت‌های بالای مورد نظر دانشجویان است، ولی گویا این راه‌کار از اولویت چندانی برای استادان برخوردار نیست. در عوض، «برنامه‌ریزی غیر متمرکز و تصمیم‌گیری درباره‌ی دروس عمومی توسط خود دانشگاه‌ها»، مورد توجه و در اولویت‌های بالای مورد نظر استادان بوده است که البته این مهم، جزو اولویت‌های بالای دانشجویان قرار نگرفته است.

پیش از این، تحقیق نظام‌الدین اشرفی زاده با عنوان «بازنگری دروس عمومی دوره‌ی کارشناسی مهندسی» نیز به اهمیت و ضرورت بازنگاری و تغییر در زیرساخت‌ها و چگونگی عرضه‌ی دروس عمومی اشاره داشته است. همچنین، احمد علی محجوت در پژوهش خود با عنوان «شیوه‌های ارائه آموزش عمومی، پایه، اصلی و تخصصی در آموزش‌های علمی کاربردی»، به ضرورت تناسب روش‌های آموزشی با رشته‌های متفاوت و نیز کاربردی و عملی کردن شیوه‌ی آموزش این دروس پرداخته است. تحقیق دیگری که توسط حسن نوروزی با عنوان «بررسی میزان اثربخشی دروس تربیت بدنی عمومی ۱

و ۲ از دیدگاه دانشجویان و مربیان دانشگاه فردوسی مشهد» انجام شده است نشان می‌دهد: در حالی که مربیان، بهترین شیوه‌ی ارائه‌ی دروس تربیت بدنی عمومی را روش ارائه به صورت واحد اجباری دانسته‌اند، دانشجویان در همه‌ی حوزه‌ها، روش ارائه به صورت واحد اختیاری را مطلوب‌تر می‌دانند و در نتیجه بیشتر دانشجویان از وضع موجود ارائه‌ی واحدهای تربیت بدنی به‌طور اجباری راضی نیستند. جالب این‌جاست که نتیجه‌ی این تحقیق نیز مشابه تحقیق حسن نوروزی است. هم‌چنین، مهدی نجفی‌خواه در تحقیقی با عنوان «آموزش ریاضی عمومی یک با استفاده از نرم‌افزار مپبل ۵» به بررسی ساختار ارائه و تدریس درس عمومی ریاضی در دانشگاه پرداخته و نهایتاً کتابچه و نرم‌افزاری برای کمک به استاد در تدریس درس ریاضی عمومی پیشنهاد کرده است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تحقیق‌های انجام گرفته‌ی گذشته، هر کدام به نوعی به تأیید ضرورت بازنگری و اصلاح انگیزشی و ساختاری دروس عمومی دانشگاهی و ارائه‌ی راه‌حل‌ها و پیشنهادهایی برای این موضوع پرداخته‌اند. علاوه بر آن، جدول ۷ تحقیق نیز با استفاده از آماره‌ی فریدمن به بررسی و بیان اولویت‌های مورد نظر دانشجویان و اعضای هیئت علمی به صورت تلفیقی در حوزه‌های «محتوایی و موضوعی» و «انگیزشی و ساختاری» پرداخته است. بر این اساس، افزایش تعداد واحدهای درس زبان خارجه، کاهش تعداد واحدهای دروس معارف اسلامی، بازنگری در محتوای دروس عمومی دانشگاه‌ها، بازنگری در عناوین دروس عمومی دانشگاه‌ها، افزایش آگاهی دانشجویان از اصول روان‌شناسی و بهداشت روان به منظور کاربرد در زندگی و مسائل شخصی از طریق دروس عمومی دانشگاهی، پنج اولویت اول دانشجویان و استادان را برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی تشکیل می‌دهند.

هم‌چنین، استمرار ارائه‌ی دروس عمومی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، افزایش آگاهی دانشجویان از اصول و کاربرد علم ریاضی، افزایش آگاهی دانشجویان از فلسفه‌ی علم از طریق دروس عمومی دانشگاه‌ها، و ادامه‌ی ارائه‌ی دروس عمومی در دوره‌ی کارشناسی دانشگاه‌ها، پنج اولویت آخر راه‌کارها و پیشنهادهای مذکور برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی را تشکیل می‌دهند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، چهار راه‌کار از پنج اولویت اول مورد نظر دانشجویان و استادان برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی به راه‌کارهای انگیزشی و ساختاری و تنها یک راه‌کار به حوزه‌ی موضوعی و محتوایی اختصاص پیدا کرده است. در عین حال سه راه‌کار از پنج راه‌کار دارای کمترین اولویت و اهمیت برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی به حیظه‌ی موضوعی و محتوایی و دو راه‌کار به حیظه‌ی انگیزشی و ساختاری اختصاص پیدا کرده است. این نتیجه، بیانگر

آن است که مجموعه راه‌کارهای انگیزشی و ساختاری نسبت به راه‌کارهای موضوعی و محتوایی برای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان و استادان از اهمیت بیشتری برخوردار است.

علل احتمالی نتایج ناشی از این سؤال تحقیق، به شرح ذیل می‌باشد:

- به نظر می‌رسد که بیشترین نیاز دانشجویان در بین راه‌کارهای انگیزشی و ساختاری ارائه شده، مربوط به کاهش تعداد واحدهای دروس معارف اسلامی است. چرا که این راه‌کار از دیدگاه دانشجویان دارای بالاترین اولویت است. ولی استادان تصور می‌کنند که در این حیطه، با اولویت‌ترین نیاز، بازنگری در عناوین دروس عمومی است و لذا این گزینه را به عنوان بالاترین اولویت خود انتخاب کرده‌اند.

- ضعف عمومی دانشجویان در یادگیری زبان خارجی می‌تواند سهم عمده‌ای در اولویت‌گذاری افزایش تعداد واحدهای درس زبان خارجی توسط ایشان باشد.

- هر کدام از دو گروه دانشجو و استاد در حیطه‌ی فعالیت خود در دروس عمومی خواهان آزادی عمل و افزایش اختیاراتشان شده‌اند. دانشجویان معتقد به ضرورت اختیاری کردن انتخاب دروس عمومی، و استادان معتقد به غیرمتمرکز شدن برنامه‌ریزی دروس عمومی و انجام این برنامه‌ریزی توسط خودشان هستند.

- تلقی موجود در زمینه‌ی توفیق کم دروس معارف اسلامی در تحقق اهداف خود و اجرای نسبتاً نامناسب این دروس و نیز عدم تبیین درست کارکردها و اهمیت خاص این دروس در زندگی و کار دانشجویان، می‌تواند دلایلی برای حجم بالای درخواست دانشجویان و استادان به منظور کاهش تعداد واحدهای دروس معارف اسلامی باشند.

هم‌چنین، توجه بیشتر دانشجویان و اعضای هیئت علمی به راه‌کارهای انگیزشی و ساختاری در مقایسه با راه‌کارهای محتوایی و موضوعی، می‌تواند نشأت گرفته از دلایل زیر باشد:

- این راه‌کارها به نسبت راه‌کارهای محتوایی و موضوعی سریع‌الوصول‌تر و کاربردی‌تر به نظر می‌رسند.

- این راه‌کارها به دلیل مواجهه‌ی مستمر و عینی دانشجویان و استادان با آن‌ها، از ضرورت و اولویت بیشتری برخوردار می‌شوند.

- این راه‌کارها به نوعی در راستای اصلاح وضع موجود به نظر می‌رسند، در حالی که راه‌کارهای محتوایی و موضوعی به نوعی مواردی را در بر می‌گیرند که در حال حاضر وجود ندارند

و البته می‌توانند در آینده وجود داشته باشند. به همین علت، این راه‌کارها در ذهن مخاطب حالت انتزاعی‌تری را به خود می‌گیرند و از ضریب اهمیت آن‌ها کاسته می‌شود.

• اهمیت و ضرورت برخی از این راه‌کارهای محتوایی و موضوعی به خوبی برای دانشجویان و حتی استادان تبیین نشده است، لذا بدیهی است که اولویت چندان‌ی را نیز برای این موارد قائل نشوند.

براساس نتایج حاصل از این سؤال، می‌توان پیشنهاد کرد: تعداد واحدهای درس زبان خارجه در دانشگاه‌ها افزایش یابد؛ «محتوا» و «عنوان» دروس عمومی دانشگاهی مورد بازنگری جدی قرار گیرد؛ تعداد واحدهای مجموعه‌ی دروس «معارف اسلامی» در دانشگاه‌ها کاهش یابد و یا برای مؤثرتر شدن این دروس در زندگی و کار دانشجویان برنامه‌ریزی شود؛ علل و زمینه‌های نارضایتی نسبی دانشجویان از برخی عناوین دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها بررسی و برای رفع این مشکل راه‌کارهایی پیشنهاد شود.

براساس نتایج حاصل از سؤالات ۵، ۶ و ۷ تحقیق مشخص شد که بین نظرات دانشجویان و استادان دانشکده‌های متفاوت، و نیز بین نظرات دانشجویان و استادان در زمینه‌ی راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی تفاوت معناداری وجود ندارد. علل احتمالی حصول این نتایج، به شرح ذیل می‌باشد:

– «راه‌کارهای بهبود» این برنامه، تابع شرایط، امکانات و عوامل درونی دانشکده‌ها نیستند؛ چرا که قرار است در آینده اجرا شوند و هنوز تجربه‌ای از اجرای این راه‌کارها وجود ندارد تا بتوان میزان و چگونگی اثرگذاری شرایط درونی هر دانشکده را در هر راه‌کار سنجید. لذا طبیعی است که در این خصوص، بین نظرات دانشجویان دانشکده‌های متفاوت، تفاوت معنی‌داری وجود نداشته باشد.

– راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی در بخش «محتوایی و موضوعی»، نیازها و توانمندی‌های عمومی دانشجویان را فراتر از حیطه‌ی دانشجویی و تحصیلی آنان مورد توجه قرار داده است. لذا به نظر می‌رسد تفاوت در رشته، دانشکده و حیطه‌ی کلی تحصیل، تأثیری در اظهار نظر سؤال‌شوندگان درباره‌ی این راه‌کارها ایجاد نکند.

– راه‌کارهای بهبود برنامه‌ی درسی عمومی آموزش عالی در بخش «انگیزشی و ساختاری»، به بررسی چارچوب کلی برنامه‌ریزی و ارائه‌ی دروس عمومی در دانشگاه‌ها می‌پردازند؛ لذا به نظر می‌رسد ارتباطی با رشته، دانشکده و حیطه‌ی تحصیلی دانشجویان و استادان پیدا نکند.

منابع:

- ۱- اشرفی زاده، نظام‌الدین (۱۳۸۱). طرح بازنگری دروس عمومی دوره‌ی کارشناسی مهندسی. مجله‌ی آموزش مهندسی ایران. دوره‌ی ۴. شماره‌ی ۱۵.
 - ۲- ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۲). تبیین جایگاه دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها. شورای عالی انقلاب فرهنگی.
 - ۳- بشیری، جبار. «بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز نسبت به دروس عمومی تربیت بدنی ۱ و ۲». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد
 - ۴- دیاموند، رابرت، ام. برنامه‌ریزی درسی و تدوین طرح درسی در آموزش عالی. ترجمه‌ی کوروش فتحی و اجارگاه (۱۳۸۵). انتشارات کوروش.
 - ۵- طرح اصلاح دروس عمومی دوره‌ی کارشناسی، مصوبه‌ی جلسه‌ی ۵۴۲ مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
 - ۶- عارفی، محبوبه (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی. انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
 - ۷- فهرست و سرفصل دروس عمومی دانشگاه‌ها، مصوبه‌ی ستاد انقلاب فرهنگی، مورخ ۱۳۶۱/۶/۱۳.
 - ۸- محبوب، احمدعلی (۱۳۷۳). شیوه‌های ارائه آموزش عمومی، پایه، اصلی، و تخصصی در آموزش های علمی - کاربردی. خلاصه‌ی مقالات سمینار بین المللی آموزش های علمی - کاربردی.
 - ۹- نوروزی، حسن (۱۳۸۳). «بررسی میزان اثربخشی دروس تربیت‌بدنی عمومی یک و دو از دیدگاه دانشجویان و مربیان در دانشگاه فردوسی مشهد». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
10. Boyer. Ernest (1987). College: The Undergraduate Experience in America. Carnegie Foundation for the Advancement of Teaching.
 11. Brubacher. John (1988). Philosophy of Higher Education.
 12. Conrad, C. F. (1978). The Undergraduate Curriculum: A Guide to Innovation and Reform. Westview Press.
 13. Dressel, P. L. Lisle, F. (1969). Undergraduate Curriculum Trends.

American Council on Education.

14. Gaff, J. G. (1991). *New Life for the College Curriculum*. Sanfrancisco, Jossey Bass.

15. Johnson D. Kent, Ratcliff James L. Gaff Jerry G.(2004). *A Decade of Change in General Education*, *New Direction for Higher Education*. No. 125, spring.

16. Maclup, F. (1998). *The illusion of higher education*. In: Brubacher, John S.(1974). *The philosophy of higher education*.

17. Mardirosian, Haig (2004). *The Reforms In General Education At American University*, *New Direction For Higher Education*, No. 125, Spring.

18. Pascarella, Ernest T. & Terenzini, Patrick T.(1991). *How College Affects Students*. Sanfrancisco: Jossey – Bass, from: <http://www.answers.com/highereducation> , 2007/09/03.

19. Pring, Richard (1993). *Liberal Education And Vocational Preparation*. In: *Beyond Liberal Education*. Edited By Robin Barrow And Patricia White, Routledyl.

20. Ratcliff, J. L. (1992). *Reconceptualizing The College Curriculum*. In: *The Journal of the Association for Genel And Liberal Studies*.

21. Stark, Joan. & Lattuca, Lisa (1997). *Shaping the College Curriculum: Academic Plans in Action*. Needham Heights, MA: Allyn and Bacon.